



پویشی که به «قصه دلبری» رسید



رونمایی از رمان تازه مهرجویی



سرمایه‌گذار فیلم «وقت داریم حالا» به کارگردانی عبدالرضا کاهانی از او به دلیل زیر پا گذاشتن تعهداتش شکایت کرد

حاشیه داریم حالا!



فرهنگ

دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۷ :: شماره ۵۳۳۲

امروز چی داریم؟

سه‌گانه امروز ما؛ کیهان

کلهر، کاهانی و افخمی

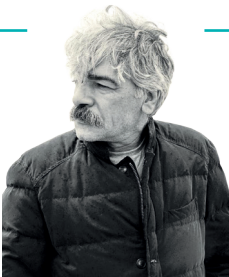
من حالا يك شیشه نوشابه را می‌بینم که مدت‌هاست روی میزماں جا مانده است. راستش را بخواهید مدت‌هاست می‌خواهم برش دارم و همان‌طور که در این مدتی که ستون «امروز چی داریم؟» راه افتاده است برای دیگران بازیش کرده‌ام، برای میثم اسماعیلی بازیش کنم. البته این عبارت کنایی «نوشابه باز کردن» را شما به حساب منظور معمولی که از آن لحاظ می‌شود نگذارید؛ یعنی الان نمی‌خواهم الکی برش دارم و برای میثم بازیش کنم. او پیراهن پاره‌ترین عضو گروه ما در تحریریه جام‌جم است. به عبارت دیگر او در تحریریه جام‌جم چندین پیراهن از ماه‌ها پیشتر پاره کرده است و قدیمی‌ترین جام‌جمی گروه فرهنگ محسوب می‌شود؛ مرد محبوب مراقب اندامی که ترکه‌ای است و از کاشان می‌آید. عکاس است؛ يك فوتوگرافر خوش‌ذوق که با همه خلایقتش پشت لنز دوربینش می‌ایستد و لحظه‌های شاعرانه جهان را ثبت می‌کند برای ما. همه‌فن‌حریف هم هست؛ برای همشهری‌هایش مجله‌ای را راست و ریس می‌کند از ادبیات و هنر، صفحه‌آرایی می‌کند، از ادبیات می‌نویسد، موزیک‌باز است و موسیقی را می‌فهمد و... همه اینها را گفتم تا بگویم ستون سمت راست همین صفحه را بخوانید که میثم دو خبر خوب از کیهان کلهر برایمان آورده.

یکی دو تا که کاردرست و حرفه‌ای نداریم در این گروه؛ همین سوی بازار یعنی در صفحه ۹) به‌مانند تابییند ساناز قنبری چطور چند نفر را سوال پیچ کرده‌تا بالاخره پس از هشت سال ته و توی اکران نشدن فیلم «فرزند صبح» بهروز افخمی را درآورده و متوجه شده‌که ماجرا به تدوین مربوط است. قنبری برای اولین بار لو داده که آیدین، فرزند آقای کارگردان تدوین را دست گرفته؛ مطمئن باشید این کارآگاه‌بازی خبرنگار سینمایی ما مثل بمب خواهد ترکید. راستش را بخواهید ما هر روز نازنجک‌هایی می‌بینیم؛ سوی‌شان می‌رویم اما فضاضامن برخی‌شان را می‌کشیم که شهرکامل روی‌هوانرود.



گاهی با خودم فکر می‌کنم او می‌توانست دروازه‌بانی باشد مثل عقاب‌های کلاسیک جهان فوتبال؛ مثل پیتر اشمایکل، مثل لئو پاشین یا همین احمدرضا عابدزاده خودمان. محمدصادق علیزاده را می‌گویم که برسر دروازه اخبار با دستکش‌های افسانه‌ای‌اش ایستاده و نمی‌گذارد چیزی از آن لا و لوها رد شود. این بار هم دروازه‌بانی اخبار او، گل کاشته و صفحات ۱۰ و ۱۱ ما را میزبان گزارشی درباره سرو صداهای فیلم‌تازه عبدالرضا کاهانی کرده. صادق بلد است طوری نتیجه‌گزارش‌هایش را به کرسی بنشاند بدون این‌که حتی يك بار صراحتاً به نتیجه‌اش اشاره کرده باشد. او از آب گل‌آلود اختلافات مجتبی جباری، فوتبال‌لیست سابق که به هشت شاکی معروف بود و از قضا سرمایه‌گذار این فیلم هست با کاهانی، ماهی‌هایی صید کرده تازه و نمک سودشده. اگر اهل نمکید، بخوانیدش.

تهران، شهر خاموش



در هیاهوی پلی‌بک خوانی خواننده پاپ و بلیت‌فروشی دستی سیروان خسروی برای کنسرتی که قرار بود در اعتراض به وضعیت بد معیشتی مردم برگزار نشود، خبر جذاب‌تری خودش را نشان می‌دهد، درست مثل سولوی کمانچه کیهان کلهر در میانه‌های قطعه مشهور شهر خاموش. خبر اجرای کنسرت کیهان کلهر است در تهران، آن هم همان شهر خاموش که اولین بار با گروه یویوما اجرا کرد و دل دوستداران موسیقی را با خود برد.

قطعه اصلی شهر خاموش سال ۲۰۰۴ به سفارش دانشگاه هاروارد برای ترکیب کوارتت زهی نوشته و اجرا شد، اما آن‌طور که کیهان کلهر گفته است این اثر وامدار ایده‌ای است که بعد از بمباران شیمیایی مرودشت در ذهن او رسوب کرده بود. حالا قرار است کنسرت شهر خاموش در تهران اجرا شود، آن‌طور که سایت‌های فروش بلیت نوشته‌اند این کنسرت قرار است در سه روز یعنی از ۲۱ تا ۲۳ فروردین در تالار وحدت روی صحنه برود، اما تنها بعد از چند ساعت روی هدلاین همه این سایت‌ها يك جمله تکراری نقش بست که خبر از تمام شدن بلیت این کنسرت می‌داد. هر چند در ادامه آن نوشته است منتظر تمدید اجرا باشید! قیمت بلیت‌ها به گواه همه این سایت‌ها از ۵۰ تا ۱۶۰ هزار تومان متغیر است.

البته که این تنها خبر جذاب موسیقی برای دوستداران کیهان کلهر نبود، چرا که همین دیروز تازه‌ترین آلبوم کیهان کلهر هم به بازار آمد. تازه‌ترین آلبوم کیهان کلهر و گروه رامبرانت تریو با عنوان «هنوز پاییز است» در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. حاصل همکاری و خلق موسیقایی این تریو با کیهان کلهر است. آلبوم از دو قسمت اصلی تشکیل شده که بخش اول کمانچه و در بخش دوم کلهر از ساز ابدایی شاه‌کمان استفاده می‌کند. این در حالی است که فضای ملودی‌ها بیشتر در مایه شوشتی و اصفهان گردش دارد. مقدمه بداهه‌گروهی، دانه پای شبنم‌اثر تونی اورواتر، هفت پاره‌اثر کیهان کلهر، هنوز براساس بداهه‌گروهی، نیاز اثر آرا دینک‌جیان آثاری هستند که در قسمت آلبوم با عنوان کلی «پگاه» منتشر شده است. در بخش دوم نیز قطعات مقدمه بر اساس بداهه‌گروهی، پاییز‌اثری بر پایه موسیقی فولکلور ارمنی، باد پاییز‌اثر تونی اورواتر و کوتاه‌ترین داستان بلند اثر رامبرانت فرایش با عنوان کلی «شامگاه» منتشر شده است. این اثر متعلق به موسسه فرهنگی هنری نغمه ساز آواز با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از روز یکشنبه ۵ اسفند در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

سرانجام جشنواره فیلم فجر با تمام حاشی و حرف و حدیث‌هایش، فیلم‌های خوب و بدش، سرمایه‌گذاران ثروتمندش، سیمرخ خواستن‌ها و نخواستن‌هایش، اشک‌ها و لبخندهایش تمام شد و رفت تا بهمن ماه سال آینده. در این میان اما، نام فیلم «فرزند صبح» به کارگردانی بهروز افخمی همچنان خالی بود و این فیلم پس از سال‌ها بایگانی شدن و کش و قوس‌های فراوان باز هم نتوانست رنگ مجدد اکران در جشنواره فیلم فجر را به خود بگیرد. اتفاقی که پیش‌بینی می‌شد امسال بعد از مدت‌ها که از اکران نخست فیلم سینمایی «فرزند صبح» در جشنواره فجر بیست و نهم می‌گذرد با تدوین مجدد و موسیقی و صداگذاری مستقیم، زیر نظر خود افخمی ختم به خیر شود تا این فیلم بالاخره به قول افخمی فیلم خودش شود و به نظر مخاطبان برسد. فیلمی که بدون شك اثر متفاوتی در کارنامه افخمی محسوب می‌شود.



ساناز قنبری

سینما

ماجرا برای «فرزند صبح» سر درازی دارد که به سال‌ها پیش برمی‌گردد. اوایل سال ۸۳ بود که خبر ساخت فیلمی درباره امام خمینی (ره) واکنش‌های گسترده‌ای بین مردم و مجامع سینمایی داشت و از همان ابتدا هم حاشی و مختلفی را ایجاد کرد، به‌طوری‌که این پروژه تا به امروز یکی از پرحاشیه‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود. ماجرا از این قرار بود که موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) تصمیم گرفت فیلمی را براساس زندگی بنیانگذار انقلاب اسلامی بسازد. البته در ابتدا قرار بود که این فیلم روایتگر دوران رهبری امام باشد، اما بهروز

افخمی که به‌عنوان کارگردان انتخاب شد، مسیر داستان هم تغییر کرد و افخمی رفت سراغ دوران کودکی امام و فرازهایی از زندگی ایشان در دهه ۴۰.

نگارش فیلمنامه بی‌سرو صدا آغاز شد و همه چیز در آرامش پیش رفت تا زمان انتخاب بازیگران. اول قرار بود جمشید هاشم‌پور برای ایفای نقش امام در سال ۱۳۴۲ انتخاب شود و اتفاقاً گریم هم خوب روی صورتش نشسته بود، اما او خیلی زود از این پروژه کنار رفت تا عبدالرضا اکبری نقش امام را بازی کند.

پس از آن محمدرضا شریفی‌نیا به‌عنوان بازیگر نقش حاج

احمدآقا و هدیه‌تهرانی به‌عنوان بازیگر نقش دایه امام (ره) انتخاب شدند که این انتخاب‌ها خیلی زود با واکنش‌های مختلفی مواجه شدند. فیلمبرداری که تمام شد، سیفا... داد خودش دست به کار شد و تدوین را آغاز کرد و تقریباً زمانی که همه خودشان را برای شنیدن خبر پایان پروژه آماده می‌کردند، داد جان به جان‌آفرین تسلیم کرد و پس از آن بود که آرام اختلاف بین تهیه‌کننده فیلم (محمدرضا شرف‌الدین) و کارگردان آغاز شد. این حواشی ادامه داشت تا این که پس از کش و قوس‌های فراوان فیلم به جشنواره بیست و نهم فجر رسید و برای اصحاب رسانه و منتقدین به نمایش درآمد که البته پر بود از انتقاد و حاشیه‌ها و افخمی مصرانه مانند زمان نمایش «فرزند صبح» در جشن خانه سینما، تاکید داشت که فیلم فعلی را او کارگردانی نکرده است، چرا که حاصل تدوین‌های فیلم به کلی با آنچه او در ابتدا مدنظر داشته متفاوت بوده است.

به هر حال اختلاف‌هایی که بر سر تدوین و دیگر بخش‌های فنی این فیلم همچون دوبله و موسیقی و صداگذاری وجود داشت، باعث شده فیلم بعد از گذشت چند سال وضعیت معلقی پیدا کند و دود آتش اختلافات

مجدد قرار گرفته و برای نمایش در جشنواره آماده شود.

تدوین بیش از زمان پیش‌بینی به طول انجامید و تا يك روز قبل از اتمام جشنواره به پایان می‌رسد. با این حال با ملاحظه مسؤولان دفتر تنظیم و نشر از اکران آن در جشنواره جلوگیری به عمل می‌آید. نکته جالب این‌که بهروز افخمی کارگردان در جشنواره بیست‌ونهم مدعی بود آنچه به نمایش درآمده فیلم

زوم

او نیست چرا که توسط مرحوم سیفا... داد تدوین شده است. حالا اما نسخه جدید این فیلم باز هم توسط خود افخمی انجام نگرفته و کسی که پیش ميز تدوین نشست و آن را مجدداً تدوین کرده، آیدین افخمی فرزند بهروز افخمی است. با این اوصاف باز هم جالب خواهد بود که آیا افخمی نسخه جدید «فرزند صبح» را فیلم خودش می‌داند یا نه!

